

## بازخوانی هویت معماری مسکونی ایرانی، در ظرف زمان و مکان

سینا قاضی زاده

دانشجوی دکترای دانشگاه آزاد اسلامی واحد اراک

sina.ghazizadeh@gmail.com

### چکیده

هویت مفهومی است که تعاریف متعددی از آن شده است و می توان آن را در حوزه های مختلفی تقسیم بندی کرد. مفهوم هویت وابسته به عنصر زمان و مکان است و همواره به کیستی و چیستی انسانی پاسخ می دهد ، بیشتر صاحب نظران هویت را مفهومی متغیر و شناور می دانند که در گذر زمان و در برخورد با عوامل مختلف فرهنگی ، اجتماعی شکل می گیرد و معماری به آن عینیت می بخشد یا به عبارتی دیگر هویت روح و معنا را در کالبد معمارانه می دمدم. معماری یکی از اصلی ترین نمودهای کالبدی هویت هر جامعه می باشد ، اما سوال مطرح در این زمینه این مسئله می باشد که عوامل تأثیرگذار در پدیدار شدن موفق معماری مسکونی سنتی ایران چه هستند؟ پاسخ این سوال در بازخوانی عوامل تأثیرگذار بر معماری مسکن در گذشته و بررسی آنها نهفته می باشد. مقاله حاضر در راستای تبیین عللی که به طبع مکان و زمان در موفقیت هویت معماری تأثیر گذار بوده اند، این علل رو در دو دسته مجزا، ساختار فرهنگی و اجتماعی و ساختار کالبدی مورد بررسی قرار داده است. بازخوانی و بازشناسی این عوامل می تواند گام نخستین در حل مشکل هویت بحران زا و بحران هویت در حوزه مسکن ایرانی باشد. در این مقاله ابتدا هویت در ارتباط با زمان تعریف شده، سپس شاخص های اجتماعی و کالبدی هویت بازخوانی شده و در انتها راهکاری پیشنهادی در بهره گیری از این مفهوم در ظرف زمان امروز مورد بحث قرار خواهد گرفت.

**کلید واژه:** هویت، معماری ایرانی، زمان، مکان، مسکونی.

### مقدمه

همان دیدگاه های نظری است. دیدگاه های نظری نیز بر اساس بینش انسان ها در گذر زمان تفاوت های بنیادینی را پشت سر گذاشته است. معاری و شهرسازی

هر پدیده ای از جمله معماری ، در زمان ها و در مکان های متفاوت نیاز به بستر فکری دارد که در این بستر تغییر و تحول می یابد. بستر فکری معماری در واقع ،

### سوابق بحث در باب هویت :

برای هر شیء طبیعت خاصی وجود دارد. شاید بتوان این نگاه ابن خلدون از هویت را کاملترین تعریف از هویت دانست. ابن خلدون هویت را جوهره و ذات هر شیء یا کس می‌داند. هویت اصطلاحاً مجموعه‌ای از آثار و علایم مادی - زیستی - فرهنگی و روانی است که گروهی را از گروهی شیء را از شیء و فرهنگی را از فرهنگی متمایز میکند و محتوای آن به مقتضای هر فرهنگ و جامعه تغییر میکند و بیانگر نوعی وحدت - تداوم - استمرار - یکپارچگی و عدم تفرقه است (محرمی ۱۳۸۳: ۶۷). هویت همانند بسیاری از مفاهیم فلسفی - اجتماعی و انسانی - انتزاعی سهل و ممتنع می‌باشد و از سوی دیگر در حال دائمی شدن است.

گیدنز در کتاب جامعه‌شناسی مینویسد: " هویت همان چیزی است که فرد به آن آگاهی دارد به عبارت دیگر هویت شخص چیزی نیست که در ادامه کنش‌های اجتماعی به آن تفویض شده باشد بلکه چیزی است که فرد باید آن را به طور مداوم و روزمره ایجاد کند و در فعالیتهای بازتابی خویش مورد حفاظت و پشتیبانی قرار دهد " (گیدنز ۱۳۷۸: ۸۲-۸۳)

در رابطه با مسئله هویت محیطی، صاحب نظران مختلف عقاید خود را بیان داشته‌اند و مؤلفه‌های مختلفی برای این مفهوم در نظر گرفته‌اند. از میان همه نظرات بیان شده، نظرات چهار نفر شاخص‌تر و مرتبط‌تر با این مقاله به نظر می‌رسد. این افراد به ترتیب والتر بور، آموس راپاپورت، کریسوفر الکساندر و کوین لینچ می‌باشند. به طور مثال، والتر بور معتقد است: هویت همان تفاوت‌های کوچک و بزرگی است که باعث بازشناخت یک مکان و خوانایی محیط می‌شود و حس دلبستگی و حساسیت محیط را به وجود می‌آورد. خاص بودن هر محیط به معنی اجتناب از یکنواختی، وجود تنوع و جذابیت است و در نحوه قرارگیری

هر کشور از بازتاب شرایط ذهنی آن جامعه است. نابسامانی و اغتشاش امروزه شهرهای ما به دلیل عدم مدیریت نحوه انتقال هویت معماری از دوران سنت به دوران نو در طراحی شهری و معماری است. توجه نکردن به فرهنگ زمان و ساختارهای کالبدی متناسب با آن، بارزترین شاخصه‌های غافل مانده در این دوران گذار است، بطوری که بسیاری از شهرهای قدیم دارای معماری به همراه نوعی نشانه از فرهنگ - آداب زمان و رسوم و سازگار با کالبد آن شهر بوده است، بعنوان مثال ساخت بناهای مسکونی دارای حیاط مرکزی در شهرهایی مانند اصفهان و کاشان نشان از اهمیت فرهنگ محرمیت در آن شهرهاست. در نتیجه به وجود آمدن معضل‌های هویت که ذات گذر این مفهوم از زمان و فرهنگی خاص به زمان و فرهنگی دیگر است و به واسطه شاخصه ذاتی مفهوم هویت که پویا و در حال تغییر است، بعضاً راهکارهایی سطحی و مقطعی به منظور ایجاد هویت به کار برده می‌شود. در واقع استفاده از چنین روش‌هایی تنها توهمی از هویت به وجود می‌آید. در این مقاله برآنیم به این پرسش پاسخ دهیم که مفهوم هویت در معماری سنتی ایران چه بوده و علل موفقیت آن چگونه تعریف و به کار برده شده؟ کسب هویت مطلوب و اصیل و رهایی از هویت‌های بحران‌زا و بحران هویت از دغدغه‌های تاریخ انسانیت و فرهنگ‌های انسانی بوده و هست و به اعتبار آزاد منشی و فضیلت آرمانخواهی و کمال طلبی انسان همیشه خواهد بود. به تأکید می‌توان گفت انسان به آن دلیل انسان است که موجودی هویت‌ساز و خواستار هویتی استعلایی و آرمانی است. امروز احراز هویت فردی از طریق مردم و طبیعت، که صفت ویژه عصر پیش از صنعت بود، به ندرت میسر است و مردم و در حقیقت امروزه ملاحظه شهر تحت عنوان الگویی نمادین کاملاً بیگانه و نامفهوم جلوه می‌کند (یاراحمدی، ۱۳۷۸: ۲۳). انگیزه خلق عناصر هویت فرهنگی در معماری یکی از تلاش‌های

های زیادی تقسیم بندی کرد، هویت مکانی، دینی، قومی، فرهنگی، ملی، فردی، گروهی و ... به هر حال این تقسیم بندی ها و روابط بین آنها از منظر هر کس می تواند به نحوی باشد مثلا ممکن است کسی هویت گروهی و فردی را بوجود آورنده ی هویت ملی بداند در حالی که کس دیگری هویت ملی را بوجود آورنده ی هویت فردی و گروهی، یا بعنوان مثال شاید کسی هویت فرهنگی را مادر همه ی هویت ها بداند و کس دیگری هویت های دیگر را مادر هویت فرهنگی بداند. اما به هر صورتی که باشد هدف و منظور در این مقاله هویت مکانی و زمانی و کیفیت آن می باشد. هویت مکانی را می توان از کنار هم قرار گرفتن ۳ عامل انسان، معماری ( فضای مصنوع) و فضا درک کرد. یعنی این که در فضای یک اثر از خود به جا می گذارد و یک فضای مصنوع را می سازد. حال این فضای مصنوع چنان چه دارای شاخصه هایی باشد که باعث ایجاد حس مباحثات یا افتخار و علاقه عاطفی در ساکنانش شود آن گاه این فضای ساخته شده تبدیل به یک مکان و یا به طور دقیق تر تبدیل به یک مکان با هویت شده است که انسان این هویت مکانی مکان را درک خواهد کرد. اما نمی توانیم از تاثیرات هویت ملی و مذهبی ایرانیان در بناهایشان چشم پوشی کنیم. عواملی مانند محرمیت که از مهم ترین نمادهای مذهبی ایرانی است. در خانه های ایرانی به طور واضحی به چشم می خورد یا بعنوان مثال استفاده از طبیعت و بهره گیری مناسب از آن که از ویژگی های بارز تمدن های اولیه ایرانی می باشد در بناهای سنتی مورد استفاده و تاکید قرار می گیرد.

### هویت در گذار زمان:

مفهوم هویت در دوران پیش از مدرن معنای متفاوتی با مفهومی که در جامعه و معماری امروز به آن اشاره می شود داشت. آدمی تصویری بود که از چشم خدایان یا خداوند دیده می شد و هویت او محصول کارکرد یک نظام

فضاها و طرز دسترسی به فضاها و در کاربری ها نیز می باید وجود داشته باشد.

راپاپورت می نویسد ، هویت قابلیت تمیز و تشخیص عنصری از عنصر دیگر است .او هویت را خصوصیتی از محیط می داند که در شرایط مختلف تغییر نمی کند .این خصوصیات می تواند خصوصیات فیزیکی محیط نظیر شکل، ابعاد، تزئینات، سبک ساختمانی و ... باشد، یا فعالیت های خاص جاری در محیط و یا عملکرد های یک محیط .

الکساندر یکی دیگر از صاحب نظران حوزه هویت فرهنگی معتقد است: هویت در محیط هنگامی تجلی می کند که ارتباط طبیعی و منطقی بین فرد و محیط حاصل شده باشد .وی معتقد است که بین فرد و محیط زندگی اش ارتباط و احساس تعلق خاطر به وجود نخواهد آمد مگر آنکه قادر به شناخت عمیق و تشخیص آن باشد و توان درک تمایز آن نسبت به محیط های دیگر را نیز داشته باشد، و بداند در چه زمانی و به چه صورت پاسخ مناسبی به کنش های انجام یافته در آن محیط بدهد.

لینچ برای هویت دو کارکرد مهم در نظر می گیرد :اول کارکردی که می توان آن را حس تشخیص نامید .به عبارتی هویت به انسان قدرت تشخیص می دهد و به وی کمک می کند که بتواند محیط را بخواند و پیش بینی کند . اگر محیط فاقد هویت یعنی حس تشخیص و تمایز باشد محیط قابل خواندن نیست .کارکرد دوم لینچ برای هویت محیط، عملکرد عاطفی هویت محیط است.

هویت در واقع در نقطه مقابل ماهیت قرار می گیرد و ماهیت وجود فیزیکی و مادی هر موجودی است، اما هویت ذات درونی موجود است و شکل دهنده ی شخصیت آن. ماهیت وجودی است که قابل احساس از طریق حواس پنجگانه است. اما هویت وجودی است که فقط می توان آن را ادراک کرد و نه احساس. هویت را می توان در دسته

نتیجه آن که هویت ماهیتی متناقض دارد و همین امر باعث شده تعریفی جامع و مانع از هویت وجود نداشته باشد. تناقض در هویت سه عامل دارد (موثقی و آیملو ۳: ۱۳۸۵):

۱- هویت به طور هم زمان دارای یک عنصر ایستا و یک عنصر پویا است که از یک سو بیانگر تداوم و استمرار است و از سوی دیگر در معرفی فرایند باز تولید و باز تعریف است؛

۲- هویت چند گانه است یعنی افراد و گروه ها الزاماً به یک هویت وابسته نیستند؛

۳- هویت بار دار احساس و ارزش است که با رفتار عقلانی تباین پیدا می کند چرا که رفتار عقلانی مستلزم سود و هزینه است.

با قبول شهر به عنوان موجودی زنده دیگر نمیتوان تنها به ابعاد ظاهری آن نگریست. پدیده ای در شهر حضور دارد که شاخص و نما درجه کیفیت تمدن و روحیات جمعی اقوام و ملت ها و حاصل تصمیمات و تصورات مردم آن شهر است این پدیده کیفی محصول اتفاقی و یا خارج از قوانین و قواعد انسان فهم محصول عمل شاعرانه و یا توهومات نیست بلکه حاصل عمل ارادی ساکنین شهر است و به عنوان عنصری "حامل معنا" برای زندگی بخشیدن به شهر لازم است (محمد اثشین ۱۳۸۸: ۴۵-۵۶).

شهر علاوه بر عناصر کالبدی شامل نمادها و سنبل ها معانی و رموزی است که مردم بر اساس نقش ها و انگیزه ها و ذهنیات و دیگر عوامل درونی آن را درک میکنند از نگاه شولتز احساس فضا و درک محیط با خاطرات عجین شده است وی بخشی از معانی مکان را در تجربه و حالات روحی انسان جستجو می نماید برای او مکان همان فضای زنده است زنده بودن هم به معنای خاص و هم به معنای عام (شولتز ۱۳۸۳: ۷۳). اما ما برای حفظ هویت نمی توانیم نمادها و عناصر معماری سنتی را با یک تقلید کورکورانه در خانه ها و بناهای حال حاضرمان استفاده

مقتدر و از پیش تعیین شده باورهای دینی و آیینی و اسطوره ای بود. به بیانی دیگر گذشته و الگوهای سنتی بر امروز حکم می رانند و اکنون و امکان آینده را پدید می آوردند. به همین دلیل گذشته در دوران سنتی بسیار مهم دانسته می شود. اما در دوره مدرن مفهوم هویت تغییر بر پیکره خود دید. انسان مدرن دیگر نمی توانست هویت خود را به چشم قبل نگاه کند، دیگر فلسفه و علوم از دنیای ماورا به پایین آمده بود و او مرکز عالم بود. هایدگر می گوید هویت برابری است و پرسش از هویت هنگامی مطرح می شود که بخواهیم دو چیز متفاوت را برابر معرفی کنیم. در دوران مدرن معیارهای معین سنجش سنتی هویت افراد مردود اعلام شد و در نتیجه آن پرسش از هویت مطرح شد. در این دوران، مسئله هویت در بطن و متن گفتمان های نوین جای می گیرد و مسئله ای به نام فاعل شناسایی مطرح می گردد و مسئله اصالت انسان شکل می گیرد به طوری که انسان در مقابله با طبیعت خودش را مطرح می کند. در تفکر مدرن مسئله این یا آن مطرح نیست و اختلاط ممکن نیست، هویت باید شفاف، خالص و ناب باشد. هویت انسانی به عنوان فاعل شناسایی به جایی می رسد که انسان جایگزین خدا می شود. در این تفکر هویت عبارت است از کیفیتی که ذهن برای بازشناسی آن ارزش دیگر به آن می دهد و هویت از آن شیء نیست بلکه از آن ذهن فاعل شناسا است. بر اساس این تفکر مشخصه انسان عقل اوست و هر کس هر آنچه با عقل در یابد برای همگان در همه ازمه و امکان معتبر، معقول و مقبول است چون ماهیت و فطرت بشری واحد و یکسان است. انسان مدرن تابع قوانین و قرارداد هایی است و این قراردادها تا زمانی مرجعیت دارند که قرارداد دیگری جایگزین آن نشده باشد. در این قرارداد ها نیک و بد مطلق معنی ندارد و نیک و بد را اکثریت تعریف می کنند. به عبارتی هویت در عالم وحدت، خدایی بودن و در عالم کثرت، خود بودن است (حجت ۱۳۸۴: ۲۶).

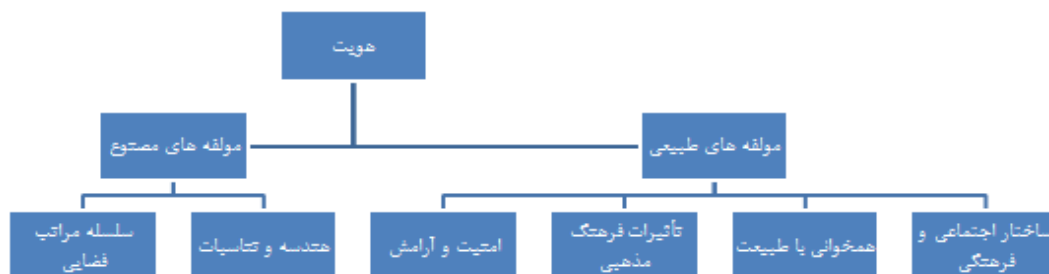
### عوامل هویت بخش:

شناخت هویت می بایست برپایه مولفه های تشکیل دهنده شخصیت دهنده آن فضا شناسایی شود، از جمله مولفه های تشکیل دهنده یک معماری عبارتند از: مولفه های طبیعی و مصنوع است که هر کدام صفات و متغیرهای خاص خود را دارا می باشند (نمودار شماره ۱) (بهزادفر، ۱۳۸۶). این دو مولفه خود به زیر شاخص های زیر قابل تقسیم و بررسی هستند:

\*مولفه های طبیعی: ساختار اجتماعی و فرهنگی، همخوانی با طبیعت، تأثیرات فرهنگی و مذهبی، امنیت و آرامش

\*مولفه های مصنوع: هندسه و تناسبات، سلسله مراتب فضایی

کنیم. آنتونیادس در کتاب بوطیقای معماری اش تمایز بین تاریخ و تاریخ گرایی را این چنین توصیف می کند: وجه تمایز تاریخ و تاریخ گرایی در این است که تاریخ گرایی توجهی یکسو به تاریخ دارد و صرفا به فرم می پردازد و در معرض خطر التقاط گرایی قرار دارد. تاریخ گرایی در مقایسه با پژوهش تاریخی واقعی درباره معماری دارای عمق و گستره کمتری است ( آنتونیادس ۱۳۹۱؛ ۲۷۴). اگر ما خواسته باشیم که ساختمان هایمان را از این بیگانگی موجود و کنونی نجات دهیم نمی توانیم به تقلید صرف از عناصر و نمادهای خانه های سنتی بپردازیم زیرا که این نمود تاریخی گرایی است که مورد مذمت واقع می شود و اگر بخواهیم هویت آن بناها را در قالب نیازهای امروز و شرایط حال حاضر جامعه و اعتقادات و نحوه نگرش ایرانیان به زندگی بنا کنیم نیاز به پژوهش هویتی



هویت و مولفه ای آن

### مولفه های طبیعی:

#### ساختار اجتماعی و فرهنگی:

موضوع و ماهیت هویت، یکی از مسائل چالش برانگیز و پر دامنه است که در دهه های اخیر مورد توجه بسیاری از

که حس تعلق به مکان و وابستگی به آن را در ساکنانش بوجود می آورده را داریم. در ادامه این مقاله سعی بر این است تا این شاخصه ها و عوامل که یک خانه را با هویت می کنند مشخص شود.

(جنکینز، ۵: ۱۳۸۱). مباحث مربوط به طرح هویت، هر چند در آغاز متوجه موضوع بحران هویت بود، ولی مسیر بعدی آن به سمت بازسازی هویت، در جوامع گوناگون کشیده شد. با پیدایش مدرنیته، برداشتی از هویت اجتماعی انسان‌ها، همچون سوژه یک پارچه، متحد و متمرکز، شکل گرفت. دگرگونی‌های به وجود آمده در جوامع مدرن، باعث بحران هویت در میان انسان‌ها گردید. به گونه‌ای که این بحث، هنوز در کانون توجه علوم اجتماعی، به ویژه روان‌شناسی اجتماعی قرار دارد. در پایان سده‌ی نوزدهم، بحث بازپایی هویت اجتماعی یا "من اجتماعی" به جای هویت فردی، کانون توجه بود، تا میان دنیای شخصی و اجتماعی افراد، ارتباط برقرار سازد و بر مبنای فرهنگ متحدالشکل، هویت اجتماعی را به وجود آورند؛ این مسئله نه تنها ارتباط اجتماعی را امکان‌پذیر می‌سازد؛ بلکه به زندگی افراد هم معنا می‌بخشد. در ضمن فرایندی برای خودشناسی کنش‌گران اجتماعی بوده و معنا سازی نیز به واسطه آن صورت می‌گیرد (احمدی، ۴۳: ۱۳۸۵). از آنجایی که انسانها موجوداتی اجتماعی هستند، پس دارای هویت اجتماعی هستند. «زندگی اجتماعی انسان بدون وجود راهی برای دانستن اینکه دیگران کیستند و بدون نوعی درک از اینکه خود ما کیستیم غیر قابل تصور است. بدون وجود چارچوبی برای مشخص ساختن هویت اجتماعی و هویت های فردی، من همان بودم که شما هستید، هیچ یک از ما قادر نمی بود با دیگری نسبت معنی دار یا سازگاری برقرار کند؛ در واقع بدون هویت اجتماعی جامعه ای در کار نیست» (جنکینز، ۱۳۸۱: ۷).

بنابر این هویت اجتماعی به عنوان مبنایی برای آشکار ساختن شباهت ها، تفاوت ها، امکان برقراری ارتباط معنی دار و مستمر را میان افراد جامعه به وجود می آورد، «انسانها ذاتاً در پی آن هستند که نسبت به دیگران متمایز جلوه کنند و از این تمایز خود احساس سربلندی کنند». (مجتهد زاده، ۱۳۷۸: ۷). به عبارت دیگر میتوان

روشنفکران، اندیشمندان و پژوهشگران قرار گرفته است و از آنجایی که بیشتر این تأمل ها، فاقد وجه تجربه و عینی اند، معمولاً بر پایه ی پیش فرضها، ذهنیات و گرایش های شخصی (نه الزامات به صورت نظریه ای) در باره ی هویت قضاوت میشود. (صدیق سروستانی و همکاران، ۱۳۸۷: ۳۲).

هویت به ویژگی هایی اشاره دارد که موجب تشخیص فرد می‌گردد. واژه هویت یا Identity در زبان لاتین از Identitas اخذ شده که ریشه آن Idem یعنی "مشابه و یکسان" می‌باشد. این واژه در عربی از کلمه هو به معنی او (ضمیر غایب) اخذ شده و به معنی اتحاد بالذات یا انطباق بالذات است. بنابراین، هویت هر پدیده‌ای، بیانگر هیئت و ماهیت وجودی ذات آن است (الطایب، ۳۴: ۱۳۸۲). این کلمه در یک معنا به ویژگی یکتایی، فردیت و تفاوت های اساسی‌ای که یک شخص را از همه افراد دیگر متمایز می‌کند، اشاره دارد (جنکینز، ۵: ۱۳۸۱). "اجتماعی" در وسیع‌ترین معنا، هر نوع رفتار یا نگرشی است که از طریق تجربه حال یا گذشته، از رفتار سایر مردم تأثیر پذیرفته باشد؛ یا اشاره به رفتاری است که به سوی سایر مردم جهت‌گیری شده باشد. در برخی موارد، به همکاری یا کنش گروهی سازمان‌یافته‌ی هدفمند، محدود می‌شود. گاهی هم دلالت ضمنی اخلاقی دارد و به کنشی اشاره دارد، که به سوی رفاه کل جامعه و یا اعضای محروم آن جهت‌گیری شده است. البته در اغلب موارد، بدون هیچ صبغه اخلاقی لازمی، برای اشاره به آگاهی از احساس‌ها و نگرش‌های دیگران و برای اشاره به رفتاری که متأثر از چنین آگاهی باشد، به کار برده می‌شود (جولیوس و کولب، ۲۹: ۱۳۸۴).

هویت اجتماعی (Identity Social) و گروهی، مجموعه‌ای از خصوصیات و مشخصات اجتماعی، فرهنگی، روانی، فلسفی، زیستی و تاریخی همسانی است که بر یگانگی یا همانندی اعضای آن دلالت می‌کند و آن را در یک ظرف زمانی و مکانی معین، به طور مشخص، قابل قبول و آگاهانه، از سایر گروه‌ها متمایز می‌سازد

بندی می کنند و می توان بر طبق این دسته بندی نمود طبیعت در بناهای ایرانی را جزو واکنش محسوس می به حساب آورد (آنتونیادس ۱۳۹۱؛ ۴۰۵). ۴ نمود از واکنش های محسوس او را می توان در معماری سنتی بناها دید که عبارتند از : ۱- پیروی کامل از طبیعت، دست نخورده نمایاندن زمین ضمن دفن و غوطه ور ساختن ساختمان در زمین، ۲- در هم آمیختگی فضای داخلی و خارجی از طریق تداوم دید و تخلخل ؛ یا از طریق درآمیختن عناصر فضای خارجی در فضای داخلی، ۳- تاکیدو پرداختن به مصالح، ۴- واکنش های تقلیدی از قبیل برداشت های صوری از طبیعت (آنتونیادس ۱۳۹۱؛ ۴۰۵) در مورد اول در معماری بناهای ایران به گودال باغچه می توان اشاره کرد که هر چند برای استفاده از ظرفیت حرارتی خاک و در امان ماندن از گرما و سرمای روز و شب کویر انجام می شده ولی به طور غیر مستقیم باعث حداقل دخل و تصرف در محیط و طبیعت می شده و بنا در محیط پیرامونش حل شده و به بیشترین هماهنگی و تکامل می رسیده است. در مورد دوم که با آب و درخت طبیعت زنده را به داخل بنا می آورد. دومین سطح آن صفه می باشد که با ارتفاع کمی از سطح حیاط جدا می شود و بیشترین علت شکل گیری اش مانند حیاط برقراری ارتباط بین انسان و طبیعت است صفه یک فضایی است از سه طرف بسته و معمولا جلوی شاه نشین یا ۵ دری قرار می گرفته است و چنان چه که ارسی های ۵ دری باز می شدند فضای داخلی و خارجی به هم پیوسته و متصل می شدند و فضای داخلی بنا می توانست به طور مستقیم با طبیعت موجود در بنا متصل شود، سطح دوم داخل و خارج به هم می شده است سطح چهارم و بالاترین سطح مهتابی است که فضایی است که سه طرف محصور و برای رسیدن به آن می بایست از پله ی ارتباطی حیاط به بام استفاده شود. (دلپزیر، شماره ۱۲؛ ۷۰-۶۱) و در مورد سوم این که مصالح مورد مصرف بناهای ایرانی خشت و گل بوده که

چنین گفت که هویت اجتماعی، نه فقط ارتباط اجتماعی را امکان پذیر می کند، بلکه به زندگی افراد هم معنا می بخشد. هویت نه فقط فرآیندی برای خود شناسی کنشگران اجتماعی است بلکه معنی سازی نیز به واسطه ی آن صورت می گیرد (فکوهی، ۱۳۸۹: ۲۸۶). بازتاب این حقیقت در معماری می توان در رعایت اصول متفاوت ساخت بناهای مسکونی در فرهنگ های متفاوت نظاره گر بود. بعنوان مثال در جوامعی مانند ایران که بحث محرمیت از اهمیت خاصی برخوردار است، می توان به بوجود آمدن ارسی ها و حیاط مرکزی ها جهت دستیابی به این مهم اشاره کرد. حال آن که در جوامعی مانند عصر مدرنیته اروپا که این بحث کمرنگ می شود، شاهد ایجاد پنجره های سرتاسری و بزرگ می باشیم. در عین حال انتقال مدرنیته این پنجره های سرتاسری را نیز در معماری ایران داخل کرد، اما از آنجا که اجتماع و فرهنگ ایرانی اصول خود را حفظ کرده است، شاهد آن هستیم که استفاده از این پنجره های بوسیله ابزاری چون پرده ها محدود شده اند.

#### بنا به مثابه عنصری همخوان با طبیعت :

یک از اصلی ترین عوامل مطلوب شدن بناهای ایرانی و با هویت شدن آنها طبیعت می باشد. طبیعت حتی در تمدن های دیگر مانند یونان نیز بسیار تاثیر گذار است و محترم شمرده می شود. «تمدن بشری با تلاش انسان برای ارتباط با طبیعت و فهم آن آغاز شد؛ طبیعتی که به سادگی برای او دریافتنی نبود شاید بتوان گفت که کل فرآیند پیشرفت و تکامل بشری حاصل معاشقه ی او با طبیعت بوده؛ تلاشی پیوسته برای ارتباط برقرار کردن با اصول و قوانین آن، به واسطه ی آن، ارتباط با انسان های دیگری» (آنتونیادس ۱۳۹۱؛ ۴۰۵) هم چنین نمود طبیعت در معماری را به دو دسته ی محسوس و نامحسوس دسته

نوع دین به همراه خود راحتی و آسایش، جایگاه و مقام اجتماعی، تسکین و حمایت به ارمغان می آورد. در عوض، دین درونی مربوط به ایمان است و ارزش بالایی دارد. این نوع عقیده ی دینی تمام زندگی فرد را با معنا و با انگیزه می سازد و به سود و نفع فردی توجهی ندارد. هر چند در ایران به طور مشخص رابطه ی بین هویت و مذهب مورد بررسی قرار نگرفته است، ولی با توجه به ارتباط بین شیوه های هویتی با نحوه ی استفاده از مهارت های مقابله ای، در این رابطه می توان به تحقیقی در زمینه ی مقابله های مذهبی اشاره کرد. دانشمندان معتقدند که مذهب یک منبع حمایتی برای افراد است که موجب می شود در رویارویی با مشکلات کم تر آسیب ببینند. بنابراین مقابله های مذهبی نظیر دعا و نیایش، توکل و یا توسل به خداوند که متکی بر باورها و فعالیت های مذهبی است، در کنترل استرس ها و سلامت روان به افراد کمک می کند (غرایی، ۱۳۸۷). از این بحث دو نتیجه می توان گرفت، ابتدا این که معماری با هویت ایرانی اسلامی معماری نیست که با حفظ صرف ظاهر معماری گذشته این کشور بوجود آید، بلکه ارزش های درونی فرهنگ ایرانی که نشأت گرفته از مذهب افراد آن می باشد می بایست سرلوحه اصول معماری از جمله تناسبات چه در پلان و چه در نما و یا حتی ارتباطات فضایی آن باشد، و دوم آنکه علت محبوبیت معماری های مذهبی مانند مسجد در سنت، رخنه مذهب در ریشه های فرهنگی این مردم است.

### امنیت و آرامش بناهای ایران:

در روایتی از پیامبر اکرم (ص) ارتباط ایمان و امنیت به صورتی ظریف این چنین بیان شده است: (الْمُؤْمِنُ مَنْ أَمِنَهُ النَّاسُ عَلَى أَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ) مؤمن کسی است که مردم او را بر جان، مال و خون خود امین می دانند (هندی: ۱۵۰) به عبارت دیگر مؤمن کسی است که جان و مال و خویش در امان است. بنابراین اصل معنای ایمان به امنیت بر می

خاک مورد استفاده برای تولیدشان از خاک محیط و طبیعت همان منطقه استفاده می شده است. و مورد آخر که برداشت صوری از طبیعت است را می توان در نقش و نگاره های موجود در بدنه ی دیوارها، پنجره ها و نورگیرها و هم چنین در نقاشی یا گچ بری فضاهای داخلی بناها مشاهده کرد. مجموع این نمودهای طبیعت در بناهای ایرانی که باعث ارتباط و تعامل بین انسان و طبیعت شده است و باعث ایجاد رابطه ی عاطفی انسان با خانه خود می شود که این از عوامل هویت بخشی محسوب می شود.

### تأثیرات فرهنگ مذهبی:

مذهب و فرهنگ در بناهای سنتی ایران نقش موثری دارند. از جمله نمودهای این عوامل می توانیم به هشتی ها، اندرونی و بیرونی، کوبه های در ورودی ساختمان، دالان ها، پنجره های مشبک اشاره کنیم. امنیت و جدا کردن بخش های خصوص خانه از بخش های عمومی آن که معمولا افراد غیر وابسته به خانواده در آن رفت و آمد می کردند از همان ورودی ساختمان اتفاق می افتاد. شخص ابتدا وارد هشتی شده و از آنجا بسته به این که با کدام قسمت از خانه کار داشته باشد مسیر خود را انتخاب می کرده است. و یا پنجره های مشبک که محارم درون اتاق ها و خانه ها را از دید نامحرمان نگه می داشته و برای آنان آزادی های بیشتری را به همراه می آورد. این جدا کردن فضاهای عمومی و خصوصی خانه از یکدیگر و یا استفاده از پنجره های مشبک بر اساس فرهنگ مردمان سنتی و یا به طور دقیق تر عطیه ای بوده است از مؤکدات دینی ما، احترامی بود به بنیان خانواده. تمایز قایل شدن بین دین درونی و بیرونی به ما کمک می کند تا کسانی را که دین برای آن ها هدف است از کسانی که دین برای آن ها وسیله است، جدا کنیم. افراد دسته ی اول به خوب بودن هدف توجه دارند و افراد دسته ی دوم به خوب بودن وسیله. دین بیرونی کاملاً سودجویانه و انتفاعی است. این



آنتونیادس در کتاب بوطیقای معماری خود اشکال هندسی را به ۳ دسته قسمت کرده: ۱- فرم «الوهی» شکلی که وجودش انکار ناپذیر و صریح است. ۲- فرم آزاد که وجودش مبتنی بر تصمیم گیری شخصی است. ۳- فرم ترکیبی، اشکال هندسی حاصل از ترکیب قسمت هایی از فرم «الوهی» و فرم «آزاد». (آنتونیادس ۱۳۹۱؛ ۲۱۱-۲۵۴) مربع و مستطیل از جمله فرم های الوهی یا مطلق هستند. مستطیل و زاییده اش مربع اشکالی هستند پر رمز و راز و ثبات گرا، متعادل و متقارن، بیانگر فردیت، قدرت، امنیت و سنگینی. هم چنین حتی ۴ ضلع مساوی مربع را نماد ۴ عنصر آب، باد، خاک و آتش و ۴ جهت شمال و جنوب و شرق و غرب و یا ۴ فصل سال می دادند. شاید همین ویژگی های شاخص مربع و به خصوص مستطیل است که باعث شد، تا از این فرم ها در هندسه سری خانه های سنتی استفاده شود. در واقع می توان گفت که اساس شکل گیری هندسه ی این خانه ها بر مستطیل و مربع بنا شده است. در مورد هندسه ی نماهای بناهای مسکونی سنتی نکته شاخص این است که همه تقسیمات و روزنه ها فرد می باشد. (یکی یا ۳ تایی) این موضوع باعث تقویت وحدت نما در محور می شود و محور نما هم قوی تر جلوه می کند. این حفظ وحدت در تقسیم بندی ها ناشی از اعتقاد به وحدانیت خداست و در بعد دینی هم جای می گیرد ( غلامی و رستم، ۱۳۸۹؛ ۶۸-۵۵) وجود آهنگ و نظم در تقسیمات نما شاخص دیگر نظم هندسی این بناهاست. این موزونی از نظر بعد ارزش ها و هنجارهای ملی، تاثیری ذاتی ایجاد می کند. زیرا ریتم جزئی از جریان زندگی است. اگر آهنگ کوتاه، بدون تاکید و متغیر باشد حالات ناظر را در مسیر معینی هدایت نمی کند و هماهنگی و ارتباط بصری او با بنا از دست می رود) پیر، ۱۳۸۳؛ ۲۶۲) پس معمار سنتی برای ایجاد آرامش بصری در نما؛ روزنه ها را طوری قرار می دهد که چشم به راحتی و آسانی در نما از یک عنصر به عنصر دیگر حرکت کند.

گردد و همان گونه که امنیت بهترین و با ارزش ترین نعمتی است که خداوند برای انسان ها در نظر گرفته است، ایمان نیز که منشأ اصلی امنیت و عبارت از اطمینان، آرامش و امنیت درونی است، اصلی ترین سرمایه و امید بشر قلمداد می گردد و چنان چه این نعمت از وی سلب شود، هیچ چیزی نمی تواند جای آن را در قلب انسان پر کند. امنیت و آرامش، شاخصه ای از معماری سنتی خانه های ایرانی که اکنون دیگر در خانه های آپارتمانی امروز یافت نمی شود. اما این آرامش و امنیت چگونه در بناهای سنتی بوجود می آمده است؟ یکی از عوامل ایجاد کننده ی این آسایش در بناهای سنتی پادیاو بوده است. کلمه پادیاو، به معنای آسمان و آب می باشد و دلیل این نام گذاری به این خاطر می باشد که این فضا در درون خود حوض آبی داشته و چون مسقف هم نبوده به آسمان دید داشته است پس در این فضا آسمان و آب را با هم داریم. این فضا به خاطر مکان یابی در گوشه ی ساختمان فضای بسیار دنج، ساکت و آرامش بخشی داشته و به دلیل حضور آب و انعکاس آسمان در آب بسیار جذاب بوده است. از دیگر فاکتورهای آرامش بخش این بناها درون گرایی حیاط مرکزی و هشتی و ... است که آرامش را برای زنان خانه فراهم می کرده، دیوارهای بلند بنا عاملی است که این امنیت را برای ساکنان به همراه می آورده است. اما علاوه بر این عناصر، بادگیر ارسی با شیشه های رنگی اتاق های تابستان نشین و زمستان نشین از عوامل دیگری هستند که آرامش را در این خانه ها در برابر شرایط جوی و اقلیمی سخت بخش کویری ایران فراهم می کرده اند.

### مولفه های مصنوع:

هندسه و تناسبات در بناهای مسکونی ایرانی:

مذهبی در ایران را می توانیم در مسجد مدرسه آقابزرگ ببینیم.

#### نتیجه گیری :

با توجه به تعاریفی که از هویت در این مقاله ارایه شد، می توان به اهمیت هویت در جامعه و در پی آن در معماری پی برد. همان طور که بیان شد هویت ممکن است در دسته های متفاوتی تقسیم شود. که البته در این مقاله تمرکز اصلی بر روی مولفه های هویت طبیعی و مصنوع به عنوان نمود هویت در معماری می باشد. از جمله شاخصه ها و فاکتورهای هویت طبیعی می توان به ساختار اجتماعی و فرهنگی، همخوانی با طبیعت، تأثیرات فرهنگی و مذهبی، امنیت و آرامش اشاره کرد و در حوزه مصنوع نیز شامل هندسه و تناسبات و سلسله مراتب فضایی می باشد. با صحیح در نظر گرفتن این فرض که معماری مسکونی سنتی ایرانی دارای هویت بوده می توان برای پی بردن به نحوه موفق بودن از نظر کاربران همخوانی با هویت آن دوره، این معماری را مورد بررسی قرار داد. در این مقاله به مولفه های به کار برده شده در بناهای سنتی آن پرداخته می شود، تا الگوهای عینی هویت مکانی و شاخصه های بوجود آورنده ی آن در این بناها مشخص شود. طبیعت چه در ایران قبل از اسلام و چه بعد از اسلام مورد تاکید و ستایش قرار می گرفته و در خانه های سنتی هم دیده می شود و نمودهای آن در این مقاله توضیح داده شد. پس طبیعت و همخوانی موجود با آن در خانه های سنتی جز ساختارهای فرهنگی و اجتماعی قرار می گیرد. فرهنگ و مذهب و نمودهای آن ها در این خانه ها هم در دسته ی ساختارهای فرهنگی و اجتماعی ساکنان خانه ها می گنجد، هندسه و تناسبات در ساختار کالبدی این بنا دسته بندی می شود نمود عینی امنیت و آرامش موجود

ترتیب شطرنجی بر اساس خطوط افقی و عمودی روشن ترین پاسخ است ( ذوالفقار زاده ۱۳۸۳: ۱۷۵) علاوه بر هندسه ی خانه، مقیاس و تناسبات انسانی خانه هم عاملی مهم در دلپذیر شدن خانه ها محسوب می شود؛ ابعاد اتاق ها با توجه به کار آیی شان ( ۳ دری، ۵ دری، تالار و...) ارتفاع اتاق ها، قرار گیری تاقچه ها و رف ها در ارتفاع مناسب با قد انسان و ارتفاع درها از جمله ی نمودهای مقیاس انسانی در این گونه بناهاست. کنار هم قرار گرفتن هندسه و تناسب انسانی باعث پختگی بنا و به تکامل رسیدن آن چه از لحاظ زیبایی و چه از لحاظ عملکردی می شود که این مورد از این جهت به با هویت شدن بنا کمک می کند.

#### سلسله مراتب بناهای ایران:

سلسله مراتب مخاطب را از مکانی به مکان دیگر و از ادراکی به ادراک دیگر منتقل می کند. علاوه بر این ایجاد یک فضای انتقالی از لحاظ روانشناسی حائز اهمیت است. سلسله مراتب برای پاسخگویی به دو امر می باشد: یکی کسب تدریجی شایستگی و بایستگی ها توسط انسان، و دیگر این که شرایط باید به گونه ای باشد که انسان یکه نخورده و ضربه نامطلوب روحی و روانی به او وارد نشود. در بناهای سنتی ایران سلسله مراتب به این صورت اتفاق می افتاده که ابتدا شخص در پیش طاق با کوبه های مخصوص مرد یا زن بودن خودش را اعلام می کرده و از درگاه وارد هشتی می شده است بعد از ورود به هشتی باید از دالان عبور می کرده و بعد از طی دالان به اندرونی یا بیرونی وارد می شده است. دلیل وجود این سلسله مراتب از در ورودی تا مرکزی ترین نقطه ساختمان بحث درونگرایی و محرمیت می باشد. اما سلسله مراتب در بناهای مذهبی به خاطر قداست و حرمت این بناها بسیار قوی تر و پررنگ تر به چشم می خورد نمونه ی بارز سلسله مراتب بناهای

مسکن دوره جدید شدیداً احساس می شود. هویت تفسیری است که انسان از ارتباط خود با تاریخ در گذر زمان ارائه می دهد؛ تاریخی که با مؤلفه های گوناگون زندگی " انسان امروز " در ارتباط است . هویت انسان تفسیری چند بعدی است که بسیاری از عرصه های ذهنی و عینی زندگی او را در بر میگیرد تفسیری که از تعامل این مولفه ها حاصل میشود. میل باطنی انسان جهت کشف هویت خود باعث می شود تا مقوله هویت در عرصه های انسان ساخت و محیط های مصنوع نیز واجد ارزش شود . شهر به عنوان اصیل ترین مظهر تمدن بشر از این میل باطنی متأثر است .

در خانه های سنتی هم در ساختار و سازماندهی کالبدی این بنا مشاهده می شود. سلسله مراتب که ریشه ی آن در باور ها و اعتقادات مردمان سنتی می گنجد، نمودش را می توانیم در ساختار کالبدی این بناها ببینیم. این مطالعات نشان دهنده ی این موضوع است هویت خانه ها در گذشته بازتاب ارزش های انسانی و باورهای آنها بوده است. اما برای حل معضل بی هویتی خانه های امروزی نمی توانیم به تقلید صرف از ساختار این بناها بپردازیم بلکه باید شاخصه های هویت ساز آنها را در نمود عینی امروزی شان به کار بست تا به شکل گیری معماری با هویت امروز دست یابیم. فضاهای معماری ما در عین کثرت باید دارای وحدت باشند. در استانه جامعه مدنی نیاز به ساماندهی

#### منابع :

- ۱- آنتونیادس، آنتوسی، بوطیقای معماری؛ تهران؛ سروش؛ ۱۳۹۱؛ جلد دوم؛ ص ۲۷۴
- ۲- احمدی، بابک؛ معمای مدرنیته، تهران، نشرمرکز، ۱۳۸۵، چاپ چهارم، ص ۴۳ تا ۴۸.
- ۳- الطایبی، قلی؛ هجران هویت قومی در ایران، شادگان، ۱۳۸۲، ص ۳۴.
- ۴- پیر، فون مایس؛نگاهی به مبانی معماری؛ مترجم؛ آیوازیان، سمون؛ تهران؛ دانشگاه تهران؛ ۱۳۸۳؛ ص ۲۶۲
- ۵- جنکینز، ریچارد (هویت اجتماعی). ترجمه تورج یار احمدی، تهران: نشرپژوهش شیرازه، چاپ اول.
- ۶- جولیس، گولد و کولب، ویلیام ل؛ فرهنگ علوم اجتماعی، گروه مترجمان، تهران، مازیار، ۱۳۸۴، چاپ دوم، ص ۲۹.
- ۷- حجت، عیسی، هویت انسان ساز، انسان هویت پرداز، نشریه هنرهای زیبا؛ ۱۳۸۴؛ ص ۲۶
- ۸- دلپذیر، علیرضا - مقدم، پریسا، انسان شناسی فرهنگی وسیله ای برای بررسی عوامل شکل دهنده معماری؛ هویت شهر؛ سال ششم؛ شماره ۱۲؛ صفحه ۶۱-۷۰
- ۹- ذوالفقار زاده؛ اصول پویا در معماری گذشته ایران؛ پیشین؛ ص ۱۷۵
- ۱۰- شولتز، کریستیان نوربرگ ؛ معماری : معنا و مکان؛ مترجم: ویدا نوروز برازجانی؛ انتشارات جان جهان تهران؛ ص ۷۳
- ۱۱- صدیق سروستانی، رحمت الله و ابراهیم حاجیانی(۱۳۸۷) مطالعه ی تجربی منابع هویت در ایران، فصلنامه مطالعات ملی، سال نهم، شماره ۲، صص ۳۱-۵۲.

- ۱۲- صدیق سروسستانی، رحمت الله و ابراهیم حاجیانی (۱۳۸۷) مطالعه ی تجربی منابع هویت در ایران، فصلنامه مطالعات ملی، سال نهم، شماره ۲، صص ۵۲-۳۱.
- ۱۳- غرایبی، بنفشه؛ (۱۳۸۷) بحران هویت و مهارت های مقابله ای (نظریه ها و راهبردها)، تهران: نشر قطره
- ۱۴- غلامی رستم، نسیم- رحمت پناه، جنت عناصر هویت ساز در معماری سنتی خانه های ایرانی «نمونه موردی خانه رسولیان یزد»؛ هنر اسلامی ؛ پاییز - زمستان ۱۳۸۹؛ شماره ۱۳؛ صفحه ۶۸-۵۵
- ۱۵- فکوهی، ناصر (۱۳۸۹)، همسازی و تعارض در هویت و قومیت، انتشارات گل آذین، چاپ اول
- ۱۶- گیدنز، انتونی؛ جامعه شناسی؛ مترجم: منوچهر صبوری نشر نی تهران؛ ۱۳۸۷؛ صص ۸۲-۸۳
- ۱۷- مجتهد زاده، پیروز (۱۳۷۸). ایران و ایرانی بودن در آستانه قرن بیست و یکم. ماهنامه اطلاعات سیاسی اقتصادی، شماره های ۱۴۷-۱۴۸، آذر و دی ۱۳۷۸.
- ۱۸- محرمی ، توحید؛ هویت ایرانی - اسلامی در هویت ایران؛ پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی تهران؛ ۱۳۸۳؛ صص ۶۷
- ۱۹- محمد، آتشین بار ؛ تداوم هویت در منظر شهری ؛ مجله باغ نظر؛ شماره دوازدهم؛ شماره شش؛ صص ۴۵-۵۶
- ۲۰- موثقی، رامین و آیمرلو، سحر، عناصر هویت فرهنگی در شهر، مجموعه مقالات اولین همایش شهر برتر طرح برتر؛ همدان ۱۳۸۵؛ صص ۳
- ۲۱- هندی، حسام الدین، کنز العمال، جلد ۱